

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه تخصصی فقه و علوم وابسته
سال سوم، شماره ششم (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)
سال چهارم، شماره هفتم (بهار و تابستان ۱۳۹۶)



صاحب امتیاز: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام
مدیر مسئول: آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی
سر دبیر: دکتر حمید ستوده



شورای مشاوران علمی (به ترتیب حروف الفبا):

سید جواد حسینی خواه (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم) / حمید ستوده (استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی ایران) / محمدجعفر طبعی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم) / سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی) / ابوالقاسم علیدوست (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمد قائمی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمدعلی قاسمی (استاد حوزه علمیه قم و مدرس جامعه المصطفی العالمیه) / محمدمهدی مقدادی (دانشیار دانشگاه مفید قم) / سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه و استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)



دبیر اجرایی: محسن شیرخانی
ویراستار فنی: رضا پورصدقی
همکاران مترجم در این شماره: حبیب ساعدی (عربی) - سید محمد سلطانی (انگلیسی)
نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد
تلفن: ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵ - دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ - ۰۲۵
قیمت: ۴۵۰۰۰۰ ریال



The Role of Weapon in Muharabah

Mahdi Abdi

Abstract

One of the issues concerning Muharabah is the role of using weapon. Utilizing the method of data analysis, this article proposes a new categorization of the data. According to the common viewpoint of Imami jurists utilization of weapon plays a great role in the concept of Muharabah. Article ۲۷۹ of Islamic criminal law of Iran (enacted in ۱۳۹۲ H) confirm this view. Conversely, some scholars see the weapon only as a means not a necessary component of Muharabah. This article study the viewpoints of both sides and their arguments which are mostly based on hadiths. The results show that using weapon has no role in the concept of Muharabah and it is merely a common means used in such cases.

Keywords: Weapon, Muharabah, Subjectness, Meansness.



دور السلاح في تحقق المحاربة مع التركيز على مادة ٢٧٩ من قانون العقوبات الاسلامية

مهدي العبدى

الخلاصة: من بين الموضوعات المهمة في بحث المحاربة دور شرطية السلاح في تحقيق المحاربة. تتناول هذه المقالة هذا الموضوع بتصنيف كامل وجديد من خلال طريقة البحث التحليلية التي تعتمد على الاستفادة من المصادر المهمة في الفقه والقانون الجنائي. وبناء على رأي أكثر الفقهاء الامامية ان هناك موضوعية لوجود السلاح في تحقق المحاربة، ان قانون العقوبات الاسلامية الايرانية المصادق عليه عام (١٣٩٢هـ ش) وايضاً في المادة (٢٧٩)، يؤكد على هذا الرأي وفي المقابل هناك عدة من الفقهاء الإمامية وكذلك اكثر فقهاء العامة ان السلاح هو مجرد طريق لأيجاد مفهوم المحاربة. وفي هذا المقال بعد تبيين كل واحدة من النظريات والقائلين بها ، وذكر أدلة الفريقين والتي أغلبها روايات نقوم بدراستها، وقد توصلنا الى هذه النتيجة وهي انه طبقاً للدلة المتوفرة من المستبعد جداً ان تكون هناك خصوصية لحمل السلاح في عقوبة المحارب، بل ان ذكر السلاح في تحقق المحاربة بعنوانه وسيلة غالبية.

الكلمات الرئيسية: السلاح المحاربة، الموضوعية الطريقية.



نقش سلاح در تحقق محاربه با تأکید بر ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی

مهدی عبدی*

چکیده

از جمله موضوعات مورد اهمیت در بحث محاربه نقش شرطیت سلاح در تحقق محاربه است. در این مقاله با بهره‌مندی از روش تحلیل داده، که مبتنی بر استفاده از منابع مهم فقهی و قانون مجازات است در قالب دسته‌بندی کامل و جدید این مسئله بررسی شده است. طبق دیدگاه اکثریت فقهاء امامیه، وجود سلاح در تحقق محاربه دارای موضوعیت می‌باشد. قانون مجازات اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲) نیز در ماده ۲۷۹ بر همین نظر تأکید دارد و در مقابل، عده‌ای از فقهاء امامیه و همچنین اکثر فقهای عامه سلاح را صرفاً طریقی برای ایجاد محاربه می‌دانند. در این مقاله ضمن تبیین هر یک از نظریات و قائلین آنها، استدلال هر گروه، که عمده آنها روایات است مورد بررسی قرار گرفته و نتیجه این است که طبق ادله موجود، بسیار بعید است که در مجازات محارب، حمل سلاح خصوصیتی داشته باشد، بلکه ذکر سلاح در تحقق محاربه به عنوان ابزار غالب استفاده شده است.

کلیدواژگان: سلاح، محاربه، موضوعیت، طریقت.

* دانش‌پژوه خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و کارشناس ارشد جزاء و جرم‌شناسی.

مقدمه

امروزه محاربه به عنوان یکی از مهم‌ترین جرائم امنیتی، از جمله مسائلی است که طی دهه‌های گذشته با پیشرفت علوم و گسترش صنعت بیش از پیش نقاب از چهره برداشته و به صورت جرمی سازمان یافته و بعضاً مدرن در قالب‌های غیر سلاح همچون استفاده از قهر و غلبه و به کارگیری و انتشار میکروب‌های کشنده در جهت ارباب و اختلال امنیت عمومی جامعه، خودنمایی کرده است. بنابراین، ضرورت تبیین و شفاف‌سازی نقش سلاح در تحقق جرم محاربه، از دیدگاه فقها و قانون مجازات اسلامی دارای اهمیت بوده و کمک مؤثری در شناخت ماهیت محاربه خواهد کرد.

با توجه به جایگاه محاربه در نظام حقوقی، این سؤال اصلی در مقاله مطرح است که اصولاً نقش سلاح در محاربه دارای چه مبانی فقهی بوده و اساساً جایگاه آن در نظام حقوق اسلامی کجاست؟

با آغاز قرن پنجم هجری تاکنون در میان فقهای امامیه درباره اشتراط سلاح در تحقق محاربه اختلاف نظر به وجود آمد. اکثر فقهای امامیه و به تبع آنها قانون مجازات اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲) وجود سلاح در تحقق محاربه را پذیرفته و عده‌ای نیز سلاح را صرفاً طریقی برای ایجاد محاربه دانسته‌اند. به همین جهت در این نوشتار، سعی شده تا ضمن بیان دیدگاه مشهور و غیر مشهور فقهای امامیه و عده‌ای از فقهای عامه و دیدگاه مختار در باب اشتراط سلاح در تحقق محاربه، به ادله آنها نیز که عمدتاً روایات است در قالبی جدید و همراه با نقد اشاره می‌شود تا از این رهگذر معلوم شود قید سلاح در روایات وارده در باب محاربه دارای چه نقشی است.

۱. دیدگاه موضوعیت سلاح

درباره اشتراط سلاح در تحقق محاربه، میان فقهای امامیه دو دیدگاه عمده وجود دارد. بر اساس دیدگاه مشهور، وجود سلاح دارای موضوعیت می‌باشد و لکن بر اساس قول غیر مشهور، محاربه، بدون سلاح نیز قابل تحقق است.

از صریح عبارات و کلمات بسیاری از فقها به دست می‌آید که وجود سلاح در محاربه دارای موضوعیت می‌باشد. در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود؛
 مرحوم ابن ادریس حلی می‌نویسد: «پیش ما، مقصود از آیه شریفه ﴿الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا﴾ (مائده، ۳۳) کسی است که به منظور ترساندن مردم، سلاح آشکار کند.» (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۰۵) مرحوم شهید اول، محاربه را کشیدن سلاح در خشکی یا دریا، شب یا روز، به منظور ترساندن مردم، در شهر و غیرشهر می‌داند. (شهید اول، ۱۴۰۶ق، ص ۲۸۲) از عبارت ایشان به صراحت استفاده می‌شود که محاربه، با کشیدن سلاح محقق می‌شود. مرحوم سبزواری می‌گوید: «اگر بدون سلاح و به قصد کشتن، آبروریزی یا غارت مال به دیگران حمله کند محارب نیست؛ زیرا سلاح به همراه خود ندارد پس اصلاً موضوعاً محارب شمرده نمی‌شود.» (سبزواری، ۱۴۱۷ق، ج ۲۸، ص ۱۲۱) همچنین، مرحوم صاحب جواهر در این زمینه چنین می‌نویسد: «محارب کسی است که به منظور ترساندن مردم، سلاح بکشد یا حمل کند.» (نجفی، بی‌تا، ج ۴۱، ص ۶۶) امام خمینی علیه السلام نیز می‌فرماید: «هر کسی برای ترساندن مردم با اراده ایجاد فساد در زمین سلاح بکشد یا آماده کند محارب است.» (خمینی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۴۹۲) بنابراین همان‌گونه که دیده می‌شود مطابق این دیدگاه، برای تحقق و ایجاد محاربه علاوه بر به کارگیری اسلحه و ترساندن مردم، قصد فساد در زمین نیز شرط است؛ همچنان‌که امام خمینی علیه السلام نیز قصد فساد در زمین را شرط دانستند، (همان) و از آیه شریفه در باب محاربه اطلاق استفاده نمی‌شود؛ زیرا در این آیه، لفظ محاربه آمده و حرب (جنگ) با سنگ، چوب و عصا محقق نمی‌شود.

۱ - ۱. ادله

عمده دلیل دیدگاه موضوعیت سلاح، روایات از اهل بیت علیهم السلام است که در آنها به داشتن سلاح در تحقق محاربه تصریح شده است.

الف) صحیحه ضریس: عن ضریس عن ابی جعفر علیه السلام قال: «من حمل السلاح باللیل فهو محارب الا ان یكون رجلا لیس من اهل الریبه». امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«هر شخصی در شب حمل سلاح کند او محارب است مگر آدمی که درباره او ریه‌ای نیست» (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۸، ص ۳۱۳).

سند روایت مذکور صحیح است گر چه درباره «حسن بن محبوب» بحث است. لکن با رجوع به منابع معتبر همچون شیخ در فهرست (طوسی، بی‌تا، ص ۴۶) و علامه در خلاصه (علامه حلی، ۱۳۸۱ش، ص ۳۷) می‌توان یافت که از شخصیت وی ستایش شده و امامی و مورد وثوق است. همچنین در رجال کشی این فرد از اصحاب اجماع دانسته شده است. (کشی، بی‌تا، ص ۵۵۶)

از جهت دلالتی طبق این روایت، محاربه صرف داشتن سلاح و حمل آن است. البته به نظر می‌رسد مراد از حمل سلاح نوعی اجهار و اشهار باشد. عبارت «باللیل» نیز کنایه از جایی است که مردم با آرامش و امنیت خاطر در حال رفت و آمد باشند. علاوه بر آن، مطابق این روایت تعبیر «ألا أن یكون رجلا لیس من اهل الریه» این را می‌رساند که هر حامل اسلحه‌ای مقصود نیست بلکه انسانی است که راجع به وی ریه‌ای نیست و حمل سلاح او عادی است یا مأموریت خاصی دارد.

با توجه به استدلالات مذکور همان‌گونه که از اکثر فقها نقل شده محارب شخصی است که به جهت اخافه و ترساندن مردم سلاح بکشد و از دیدگاه این فقها در نهایت نیز نظر مشهور اظهر می‌باشد. (روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۵، ص ۵۳۰)

ب) صحیح محمد بن مسلم عن ابی جعفر علیه السلام قال: «من شهر السلاح فی مصر من الامصار فعقر اقتص منه و نفی من البلد، و من شهر السلاح فی مصر من الامصار و ضرب و عقر و اخذ المال و لم یقتل فهو محارب». (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۸، ص ۳۰۷) امام باقر علیه السلام فرمودند: «هر کسی در شهری یا محلی سلاح کشید و دیگران را زخمی نمود مورد قصاص واقع می‌شود و نفی بلد می‌شود و هر کسی سلاح کشید و کسی را مورد ضرب و شتم و جراحت قرار داد و مال او را گرفت لکن او را نکشت او محارب است.»

از جهت سندی، روایت با وجود «محمد بن مسلم» و سایر راویان امامی ثقه صحیح است و اشکالی در آن نیست و از نظر دلالتی طبق این روایت نیز، در محاربه، وجود سلاح ضرورت دارد همچنین بر خلاف روایت قبل، تشهیر سلاح نیز در تحقق محاربه شرط دانسته شده است.

۲-۱. نقد و ارزیابی

در نقد و ارزیابی استدلال به این دو روایت، توجه به چند نکته لازم است: اولاً، عبارت «حمل سلاح» در روایت از باب ابزار غالب است و گرنه باید قید «در شب بودن» نیز برای تحقق محاربه به آن اضافه شود در حالی که در منابع متعدد فقهی هیچ فقهی چنین چیزی را ادعا نکرده است. همچنین برخی از فقها در استدلال بر این امر که محاربه با عصا، چوب و سنگ محقق می‌شود به همین طریق استدلال آورده‌اند که «اطلاق السلاح فی الأخبار و الفتاوی مبنی علی الغالب» (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۶۳۶) به همین جهت برخی فقها همچون مرحوم صاحب ریاض می‌نویسد: حضرت علی علیه السلام درباره مردی که خانه گروهی را آتش زد و چنان شعله‌ور شد که خانه و اموال سوخت، فرمودند: «آن شخص باید غرامت قیمت خانه و آنچه را که در خانه بوده پرداخت کند و سپس قصاص شود»؛ لذا روایت سکونی بر شرط نبودن سلاح، دلالت دارد. افزون بر آن، صدق عنوان محاربه، به هر چیزی که سبب ترساندن و خوف مردم شود محقق می‌شود هر چند با سنگ یا غیر آن باشد.» (طباطبایی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۶، ص ۱۵۰)

ثانیاً، روایت مذکور نه صراحتی در شرط بودن اسلحه خاصی در محاربه دارد و نه در مقام بیان اشتراط آن است.

بنابراین ثمره توجه به این نکات این است که تعبیر «حمل سلاح» برای اثبات اشتراط استفاده از سلاح به دلایلی که مطرح شد دارای اشکال بوده و مردود است.

۲. دیدگاه طریقت سلاح

در مقابل دیدگاه مشهور، عده‌ای از فقهای امامیه و همچنین اکثر فقهای عامه سلاح را صرفاً طریقی برای ایجاد محاربه می‌دانند؛ همان‌گونه که از عبارات برخی فقها همچون مرحوم سید طباطبایی و مرحوم فاضل هندی استفاده شد که وجود سلاح تنها طریقی برای ایجاد محاربه بوده و محاربه بدون سلاح را محقق می‌دانند. (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۶۳۶؛ طباطبایی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۶، ص ۱۵۰)

۱ - ۲. دیدگاه فقهای امامیه

در این مقطع، دیدگاه بعضی دیگر از فقها معاصر که قائل به طریقت سلاح در تحقق محاربه هستند و صراحتاً آن را پذیرفته‌اند ذکر می‌شود.

آیت الله موسوی اردبیلی^۱ در تعریف محاربه می‌گوید: «محاربه عبارت است از انجام دادن اعمالی به قصد اختلال در نظم عمومی و ایجاد رعب و هراس و سلب آرامش و امنیت مردم - اعم از جانی، مالی و غیر آن - هرچند با سلاح سرد، ایجاد آتش سوزی، شکستن سد، دایر کردن مراکز فساد و ایجاد اختلال در نظام اقتصادی باشد.» (موسوی اردبیلی، ۱۳۹۲ش، ص ۴۲۱)

مرحوم منتظری در پاسخ استفتایی در باب حد محاربه با این عنوان که آیا برای تحقق موضوع حد شرعی «محاربه» اقدام مسلحانه در سلب آسایش و امنیت مردم معتبر است یا محاربه اعم از آن است؟ می‌گوید: «به نظر می‌رسد عنوان سلاح فی نفسه موضوعیت نداشته باشد بلکه اشاره به ابزار، نیرو و قدرتی است که موجب ترساندن مردم می‌شود؛ بنابراین شامل سلاح‌های غیر آهنی نیز می‌شود.» (منتظری، ۱۳۸۳ش، صص ۵۲۰ - ۵۱۹)

همچنین، در ادامه در خصوص تحقق محاربه با سلاح غیر واقعی استفتائاتی شده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.

در پاسخ به این سؤال که آیا با اسلحه غیر واقعی جرم محاربه تحقق می‌یابد یا خیر، نظریاتی به شرح ذیل مطرح است: آیت‌الله بهجت فرموده: «در صورت ثبوت در نزد حاکم به بینه یا اقرار باید تعزیر شود.» آیت‌الله صافی گلپایگانی چنین نظر داده‌اند: «تحقق جرم محاربه به صورت مذکور مورد اشکال است بلکه اقوی عدم تحقق است.» آیت‌الله مکارم شیرازی در پاسخ فرموده‌اند: «اسلحه قلبی معیار محارب نیست ولی اگر کسی این کار را به طور گسترده انجام دهد به طوری که عنوان مفسد فی الارض را پیدا کند حکم مفسد فی الارض را دارد.» همچنین آیت‌الله نوری همدانی نیز در پاسخ چنین فتوا داده‌اند: «میزان در محاربه، سلب امنیت عمومی است.» (استفتائات برگرفته از گنجینه آرای فقهی - قضایی، مرکز تحقیقات فقهی و سایت مدرسه حقوق)

بنابراین، در تحقق جرم محاربه، همانگونه که ملاحظه می‌شود در نزد برخی از فقها آنچه معیار شمرده می‌شود، قصد اخافه و ترساندن مردم است گرچه این اخافه با آنچه که عرفاً سلاح دانسته می‌شود نباشد. مفاد روایت سکونی که بر اساس آن حضرت علی علیه السلام مردی را که با شعله آتش به منزل دیگران حمله برده و منزل و وسایل آنها را به آتش کشیده است را مستحق مجازات محارب دانسته‌اند. (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۸، ص ۳۱۵) نیز این نظریه را تأیید می‌نماید. همچنین ظاهر عبارت برخی از حقوقدانان اشعار بر این مطلب دارد که سلاح فی نفسه موضوعیت ندارد بلکه قصد اخافه معیار محسوب می‌شود. (پوربافرانی، ۱۳۹۱ش، ص ۷۲).

۲-۲. دیدگاه فقهای عامه

افزون بر دیدگاه مشهور و غیر مشهور فقهای امامیه، نزد مذاهب عامه نیز اختلافاتی در باب تعریف و قیود محاربه وجود دارد. برخی از آنها، قیودی همچون عدم امکان مساعدت توسط دیگری یا قوای حکومتی را در تعریف محاربه ذکر کرده‌اند. (غزالی، بی تا، ج ۲، ص ۱۷۹؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸ش، ج ۹، صص ۱۵۷ - ۱۴۴) اکثر فقهای عامه نیز سلاح را صرفاً طریقی برای ایجاد محاربه می‌دانند. لذا فقهای همچون عبدالقادر عوده نیز در این باره همین نظر را داشته و فقط به جای تعبیر محاربه، «حرابه» یا «قطاع طریق» را به کار برده‌اند. (عوده، بی تا، ج ۲، ص ۶۴۰) همچنین در فقه عامه از محاربه به عنوان «السرقه الکبری» نیز یاد شده است. (الوزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية، ۱۴۲۷-۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۲۹۳) فقهای مذهب حنفی نیز محاربه یا قطاع طریق را حمله به سوی رهگذران برای گرفتن مال دانسته‌اند به گونه‌ای که راه مسدود شده باشد. (زیدان، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲۵۴؛ سرخسی، ۱۹۸۳م، ج ۹، ص ۱۹۵) کما این که در نزد شافعی‌ها محاربه تهاجم به سوی عابران و مسافران برای اخذ مال یا جان آنها دانسته شده به نحوی که کمک خواستن و فرار از دست آنها ممکن نباشد. (الشربینی، ۱۴۱۵ق، ص ۸۰) در دیگر کتب فقهی اهل سنت نیز بر همین روال محاربه، ظاهر شدن جهت اخذ مال یا ارتکاب قتل یا به وجود آوردن ترس شدید به نحوی که با قدرتش امکان مساعدت را از دیگری بگیرد

معنا شده است. (الجزیری، ۱۳۹۲ش، ج ۵، ص ۱۱) همچنین با توجه به این که از جناب احمد بن حنبل در این باره مطلبی بیان نشده است، برخی از پیروان مذهب حنابله، تابع دیدگاه حنفی ها شده اند. (مرداوی، ۱۹۵۷م، ج ۱، صص ۲۹۲ - ۲۹۱)

بنابراین با توجه به دیدگاه‌هایی که توسط اهل سنت ذکر شد به نظر می‌رسد علیرغم اختلافاتی که نزد مذاهب عامه وجود دارد در مجموع می‌توان گفت که عنصر اساسی در تحقق محاربه از دید اهل سنت خروج برای اخذ مال به نحو قهرآمیز و غلبه است و لو همراه با حمل و کشیدن سلاح نباشد.

۳- ۲. ادله دیدگاه طریقت سلاح

طرفداران این دیدگاه که سلاح را صرفاً طریقی برای تحقق محاربه می‌دانند به دلایلی تمسک کرده‌اند که در این قسمت ذکر می‌شود.

۱ - ۳ - ۲. آیه محاربه

عمومیت آیه شریفه محاربه ﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (مانده، ۳۳)^۱ دلالت بر استفاده از وجود هر نوع سلاحی در تحقق محاربه دارد. به بیان دیگر، در آیات قرآنی محاربه، به خصوص آیه ذکر شده هیچ گونه اشاره‌ای به شرط بودن سلاح در محاربه نشده است.

چه بسا می‌توان ادعا کرد که اطمینان فقهی وجود دارد که هر شخصی با ابزارهایی نظیر چوب دستی، عصا و یا هر وسیله کشنده دیگری راهزنی کرده و راه را ناامن کند و عابران را بکشد یا اموالشان را بستاند، حکم او همان حد محارب است، زیرا با تصریح آیه شریفه به این که موضوع حد مذکور عبارت است از محاربه و ایجاد فساد در زمین از دیدگاه فقهی بسیار بعید است که در ترتب این مجازات، حمل آهن خصوصیتی داشته باشد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸ش،

۱. «جزای کسانی که با خدا و پیامبرش جنگ می‌کنند و در زمین به فساد می‌کوشند، آن است که کشته شوند یا بر دار گردند یا دست‌ها و پاهایشان یکی از چپ و یکی از راست بریده شود یا از سرزمین خود تبعید شوند. اینان رسوایشان در این جهان است و در آخرت نیز به عذابی بزرگ گرفتار آیند»

ص ۲۹۷) و همچنین بدون تفکیکی در این باره که از سلاح استفاده کرده یا بدون سلاح مال او را ستانده، می‌فرماید این عمل محاربه است. علاوه بر آن، عنوان سلاح نیز اعم از آلاتی همچون شمشیر است بلکه هر ابزاری را که در نزاع به کار آید و موجب اخافه شود شامل می‌شود. طبیعی است سلاح به این معنا به عنوان پدیده‌ای متغیر مطرح بوده و به نسبت مکان‌های مختلف و در طول ازمنه قابل تغییر است. (همان، ص ۲۹۷ - ۲۹۶)

بنابراین براساس آیه مذکور، نیازی به تشهیر و یا حمل سلاح نبوده بلکه آنچه ملاک است صرف ایجاد ناامنی است و در نهایت محاربه بدون سلاح در نزد گروهی از فقها قابل تحقق است.

۲ - ۳ - ۲. روایت معتبره سکونی

علاوه بر عمومیت آیه شریفه محاربه، برخی از فقها همچون صاحب ریاض رحمته، به روایاتی نیز جهت طریقت سلاح در محاربه استناد کرده‌اند که می‌توان مهم‌ترین آن را روایت معتبره سکونی دانست. (طباطبایی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۶، ص ۱۵۰)

متن روایات در کتب روایی بسیاری همچون تهذیب و وسائل الشیعه نقل شده است. متن کامل آن عبارت است از: «محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن علی بن محبوب عن احمد بن محمد بن البرقی عن النوفلی عن السکونی عن جعفر عن ابيه عن علي عليه السلام في رجل اقبل بنار فأشعلها في دار قوم فأحترقت واحترق متاعهم أنه يُغرّم قيمة الدار وما فيها ثم يُقتل.» حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام درباره مردی که خانه گروهی را آتش زد و چنان شعله ور شد که منزل و وسایل آن سوخت، فرمودند: «آن شخص باید غرامت قیمت خانه و لوازم آن را بپردازد و سپس کشته شود.» (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۸، ص ۳۱۵)

سند روایت مذکور صحیح بوده و در مجموع در نزد امامیه به آن عمل می‌شود، اگرچه ممکن است در نقلی راجع به جناب احمد بن محمد بن خالد برقی - به خاطر ضعف وی پیش نجاشی اشکال باشد (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ج ۷۶، ص ۲۹۰ و ۳۶۲) لکن در نقل دومی که شده، سند این روایت موثق است؛ زیرا طریق

مرحوم صدوق به اسماعیل بن ابی زیاد سکونی صحیح است اما سند این روایت با توجه به حضور جناب اسماعیل بن ابی زیاد سکونی به عنوان راوی اهل سنت در طریق آن، در شمار اخبار موثقه قرار داشته و به آن عمل می‌شود. (خویی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۷)

لذا از جهت اسنادی این روایت دارای اشکالی نبوده و قابل عمل است. بنابراین در مجموع در نزد امامیه به روایات سکونی عمل می‌شود، (همان، ص ۱۰۷-۱۰۶) اما در باب وثاقت «حسین بن یزید نوفلی» نیز، تنها نقیصه‌ای که به او وارد شده است اتهام غلوی است که به او نسبت داده شده که به شهادت رجالی بزرگ نجاشی دلیلی بر این اتهام، وجود نداشته و به روایات او نیز عمل شده است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۸)

افزون بر آن، از جهت دلالتی نیز کشته شدن شخص مجرم (آتش افروز) در این روایت بی‌تردید از باب قصاص نیست؛ زیرا در این روایت بحثی از قتل نبوده تا قصاصی در قبال آن باشد از جهت این که آتش زدن خانه و اموال مردم اعم از آن است که افراد داخل آن خانه کشته شوند و یا این که کشته نشوند. لذا اجرای مجازات اعدام قطعاً از ناحیه محارب بودن مجرم و خوفی بوده که او ایجاد کرده است. (حسین‌نژاد، ۱۳۹۶ش، ص ۲۸۹) بعضی نیز همچون علامه حلی رحمته‌الله در این زمینه چنین می‌نویسد: «دلیل قتل شخص مجرم در این روایت، به جهت مفسد بودن و افساد او روی زمین است.» (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۳۵۳)

افزون بر این، برخی علاوه بر اطلاق آیه شریفه و استفاده از روایتی که ذکر شد به اصالة الحقیقه از معنای لغوی محاربه و اصل عدم اشتراط قید زائد برای طریقی بودن سلاح تمسک کرده‌اند. (حق‌شناس، ۱۳۹۴ش، ص ۷۴)

بنابراین، با لحاظ اطلاق آیه و با توجه به این که در روایت مذکور اخیر، عنوان «سلاح کشیدن» در تعریف محارب نیامده است. بنابراین این روایت شایستگی آن را دارد که اینگونه تعمیمی از آن استفاده گردد که حتی محاربه بدون سلاح را نیز شامل گردد.

۳. دیدگاه قانون مجازات اسلامی ایران

قانون مجازات اسلامی ایران (ماده ۲۷۹) به تبع فتوای اکثر فقها شیعه، وجود سلاح در تحقق محارب را شرط دانسته است. در این ماده مقرر شده است: «محاربه عبارت است از کشیدن سلاح به قصد جان، مال، ناموس یا ارباب آنها است به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد.» در این ماده قانونی، عبارت قصد جان، مال یا ناموس متعلق به کشیدن سلاح است.

علاوه بر آن، با توجه به آوردن قید «به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد» مؤید این دیدگاه است که جرم محاربه جرمی مطلق نبوده بلکه جرمی مقید به ایجاد رعب، سلب آزادی و امنیت مردم است. (پوربافرانی، ۱۳۹۱ش، ص ۷۴)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود یکی از محسنات قانون فعلی بر خلاف قانون سابق جدایی محاربه از افساد فی الارض است؛ زیرا در این تعریف، مقنن تنها به تعریف محاربه پرداخته و نامی از مفسد فی الارض نبرده است؛ این نحوه تبیین در واقع تبیین و تمایز این دو عنوان از همدیگر است، (گلدوزیان، ۱۳۸۸ش، ص ۲۶۶) در حالی که در قانون سابق مشخص نبود محارب و افساد فی الارض چه تفاوتی با هم دارند تا جایی که حتی برخی محارب را از مصادیق افساد فی الارض می‌دانستند.

لذا در تحلیلی جدید می‌توان بر این باور بود و به این نکته رسید که معمولاً در قوانین کشورها نقش وجود سلاح به ویژه سلاح آهنی هم در ایجاد ترس و نیز در افزایش مجازات تعیین‌کننده و دارای تأثیر است.

در مقام نتیجه‌گیری باید گفت که با توجه به ظهور آیه شریفه و روایت معتبره سکونی و عمومیت آنها در صدق عنوان محارب از دید نگارنده، حمل آهن خصوصیتی ندارد؛ بنابراین هر شخصی با وسایل و ابزارهایی همچون عصا و امثال آن راه را ناامن کند و عابران را بکشد و یا اموالشان را به غارت ببرد حکم مجازات محارب بر او بار می‌شود و در صدق محارب و ترتب مجازات بر او، ابزار خاصی خصوصیت ندارد. در نتیجه وجود سلاح در ایجاد محاربه شرط نخواهد بود به این دلیل که محاربه، منحصر در ظاهر نمودن سلاح خاصی نیست، بلکه آن چیزی که در محاربه بسیار مهم و کلیدی است انجام هر جنایتی به منظور محاربه، سلب امنیت

وآسایش عمومی از جان، مال، ناموس مردم، ایجاد رعب، وحشت و اختلال در نظم عمومی جامعه، به هر طریقی است که تحقق یابد.

بنابراین، از دیدگاه مختار محاربه به عنوان «تشهیر (جهزه) لاخافه الناس» مطرح می‌گردد و ظاهر این است که سلاح در محاربه تعمیم دارد و شامل هر گونه ابزاری می‌شود اما مشت و لگد خلاف ظاهر است و مهم‌ترین دلیل در این باره همان روایت معتبره سکونی است که با توجه به این‌که در این روایت «آتش» آمده است پس معلوم می‌شود اسلحه در تحقق محاربه خصوصیتی ندارد بلکه در تحقق محاربه آتش، چوب و امثال اینها کفایت می‌کند.

نتیجه

جرم محاربه به عنوان نص قرآنی و امری که حد شرعی دارد حرمت آن مورد تأکید آیات و روایات بوده و مورد اجماع همه فقهای فریقین اسلام و عقل است؛ اما علیرغم این، در اشتراط وجود سلاح در تحقق محاربه، اقوال مختلفی از سوی فقهاء بیان شده است.

دیدگاه‌های مطرح شده در متن مورد بررسی، حکایت از این دارد که دیدگاه واحدی در این زمینه یافت نمی‌شود. در نظریه اکثر فقها و براساس ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی وجود سلاح در محاربه دارای موضوعیت است و در مقابل آنها، قول غیرمشهور وجود دارد که قائل به طریقی بودن سلاح است. به عبارت دیگر، سلاح تنها طریقی برای ایجاد محاربه است لذا محاربه بدون اسلحه نیز محقق می‌شود.

اکثر فقهای عامه نیز بر این باورند که محاربه «قطاع طریق» یا «حرابه» بوده و سلاح در تحقق آن طریقی است زیرا دلیل خاصی برای اشتراط سلاح در محاربه نزد آنها وجود ندارد.

به هر حال، نوشته حاضر ضمن تقویت ادله غیر مشهور همچون عمومیت آیه شریفه ۳۳ مائده و روایت معتبره سکونی در صدد تأیید همین قول بر آمده و به طور خلاصه این‌گونه می‌شود اظهار نظر کرد که هر شخصی با هر گونه ابزاری

همچون آتش، عصا، سنگ و نظیر آن نیز راه را ناامن کند و مردم را بترساند، محارب است.

نتیجه این که از نظر فقهی در ترتب مجازات محارب، حمل آهن خصوصیتی ندارد بلکه ذکر سلاح به عنوان ابزار غالب در محاربه ذکر شده است تا جایی که به غیر چوب و عصا و امثال این تا به کار بردن زور و قهر و غلبه نیز توسعه داده شده است. براساس این دیدگاه به طور کلی در محاربه به کار بردن وسیله‌ای مانند سلاح شرط نمی‌باشد.

فهرست منابع

- قرآن مجید.
- ابن ادريس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق)، *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۳۸۸ق)، *المغنی*، قاهره: مكتبة القاهرة.
- اصفهانی، محمد بن حسن (فاضل هندی) (۱۴۱۷ق)، *كشف اللثام و الابهام عن قواعد الأحكام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- پایگاه اطلاع رسانی گنجینه آرای فقهی - قضایی، (جستجو برای: تحقق محاربه با سلاح غیر واقعی)، تاریخ دستیابی: ۲۸ تیر ۱۳۹۸. <http://www.feghegaza.com>.
- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۱ش)، «تحلیل جرم محاربه»، *مجله فقه و حقوق اسلامی*، ش ۳.
- جزیری، عبدالرحمن (۱۳۹۲ق)، *الفقه علی مذاهب الأربعة*، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق)، *وسائل الشیعه الی تحصیل الشریعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.
- حسین نژاد، سید مجتبی (۱۳۹۶ش)، «تأملی در اشتراط قید سلاح و محاربه اینترنتی»، *مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ش ۵.
- حسینی روحانی، سید صادق (۱۴۱۲ق)، *فقه الصادق علیه السلام*، قم: دار الكتاب، مدرسه امام صادق علیه السلام.
- حق شناس، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۴ش)، «بررسی تحلیلی و انتقادی شرط استفاده از سلاح در جرم محاربه از منظر فقه مقارن»، *دوفصلنامه فقه مقارن*، ش ۳.
- حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی) (۱۳۸۱ق)، *خلاصة الأقوال*، نجف: منشورات المطبعة الحیدریة.
- _____ (۱۴۱۳ق)، *مختلف الشیعة* قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۹۰ق)، *تحریر الوسیلة*، النجف: مطبعة الآداب.
- زیدان، عبدالکریم (۱۴۱۷ق)، *المفصل فی احکام المرأة و بیت المسلم و الشریعة الاسلامیة*، بی جا: نشر الرسالة.
- سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۷ق)، *مهذب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام*، بی جا: دفتر آیت الله العظمی سبزواری - المطبعة یاران.
- سرخسی، محمد بن أحمد (۱۹۸۳م)، *المبسوط فی فقه الحنفیة*، استانبول: دار الدعوة.
- شربینی، خطیب (۱۴۱۵ق)، *مغنی المحتاج*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- طباطبایی، سید علی بن محمد (۱۴۲۳ق)، *ریاض المسائل فی تحقیق احکام الشرع بالدلائل*، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.

- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، الفهرست، نجف: المكتبة الرضویة.
- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول) (۱۴۰۶ق)، اللمعة الدمشقیة، تهران: دارالناصر.
- عوده، عبدالقادر (بی تا)، التشریح الجنائی، بیروت: دارالکتب العربی.
- غزالی، محمد بن محمد (بی تا)، الوجیز فی فقه الشافعیة، بی جا: بی نا.
- کشی، حمد بن عمر (۱۴۰۷ق)، الرجال، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
- گلدوزیان، ایرج و ابوالفضل احمدزاده (۱۳۸۸ش)، «بررسی تعریف جرم محاربه و افساد فی الارض در فقه و حقوق با رویکردی به لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی»، فصلنامه حقوق، ش ۳۹.
- مرداوی، علی بن سلیمان (۱۹۵۷م)، الانصاف فی معرفة الراجح من الخلاف فی فقه الامام احمد، قاهره: بی نا.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۸۳ش)، رساله استفتائات، تهران: نشر سایه.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۳۹۲ش)، حقوق و دادرسی کیفری، تهران: انتشارات رادنگار.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (بی تا)، معجم رجال الحدیث، بی جا: بی نا.
- نجاشی، أحمد بن علی (۱۴۰۷ق)، رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشیعة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمدحسن (بی تا)، جواهر الکلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۸ش)، بایسته های فقه جزا، تهران: نشر میزان.
- وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية (۱۴۲۷-۱۴۰۴ق)، الموسوعة الفقهية الكويتية، الكويت: صادرة عن الوزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية.